

چند راه حل پیشنهادی برای وفاداری به ماده‌ی ۲۷۲

علی اکبر سمیعی

کارشناس ارشد مالیاتی

به‌طور کلی نباید با اصل ماده‌ی ۲۷۲ مخالفت شود؛ چراکه مبنای حسابرسی فقط انجام یک وظیفه‌ی اجتماعی نیست، بلکه عمل به تکلیفی دینی است. در قرآن کریم نیز تصریح شده است به حساب خود رسیدگی کنید قبل از اینکه مورد حسابرسی واقع شوید. لذا حسابداری و حسابرسی در تمام ادوار گذشته یعنی از زمان تشکیل حکومت در کره زمین حائز اهمیت بوده و هست و در حال حاضر در تمام کشورها و حکومت‌ها حسابداران و حسابرسان از احترام و جایگاه ویژه‌ای در اجتماع برخوردارند. افزون بر آن، از لحاظ تاریخی ایرانی‌ها در زمینه‌ی حرفه‌ی حسابداری از ملل پیشرو در امور دیوانی و مالی بوده‌اند به طوری که در حکومت بنی عباس خاندان برمکی که ایرانی تبار بودند کلیه‌ی امور مالی و محاسباتی دستگاه خلافت را به عهده داشتند، اکنون نیز بسیاری از حسابداران تحصیلکرده‌ی ایرانی در نقاط مختلف دنیا به ارائه‌ی خدمات حسابداری و حسابرسی در سطوح عالی اشتغال دارند. بنابراین تأکید می‌کنم مخالفت با اصل ماده‌ی ۲۷۲ به دلیل اهمیت و ارزش ویژه‌ی حسابرسی در ارتقای سطح سلامت و شفافیت فعالیت‌های گوناگون مؤسسات تولیدی، بازرگانی اعم از دولتی و غیر دولتی و کاهش تخلفات مالی به هیچ وجه منطقی به نظر نمی‌رسد.

در مورد متن فعلی ماده‌ی ۲۷۲ و تبصره‌های آن که در عمل مشکلاتی را ایجاد کرده است، بنده با این ماده به طور مشروط موافقم. چرا می‌گویم مشروط، برحسب تجربه و به لحاظ اینکه متن فعلی و تبصره‌ی یک آن نیاز به اصلاح دارد. اما برای بحث در مورد اصلاح این ماده و چگونگی و حدود اصلاح لازم می‌دانم سیر تصویب متن فعلی را به طور مختصر توضیح بدهم.

در سال ۱۳۸۰ که بنده یکی از اعضای گروه تدوین اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم بودم، متن پیش‌نویس اصلاحیه در کمیسیون اقتصادی مجلس در دست بررسی بود و از همین رو مرتباً به اتفاق سایر اعضای گروه در جلسات کمیسیون حاضر و درخصوص پیش‌نویس اصلاحیه بحث و تبادل نظر می‌شد، برای مدت دو هفته به سفر حج عمره رفتیم، پس از مراجعت از جریان پیشرفت تصویب اصلاحیه مطلع و معلوم شد ماده‌ی ۲۷۲ و تبصره‌های آن با متن فعلی مورد تصویب کمیسیون اقتصادی قرار گرفته است. چون تصویب این ماده و تبصره‌های آن به شکل فعلی در ذات خود با مواد ۲۱۹ و ۲۳۷ تناقض داشت و اجرای آن در عمل مواجه با مشکل می‌شد به جناب آقای خجسته، رییس کل محترم سازمان امور مالیاتی کشور، گفتم که این ماده و تبصره‌ی یک آن قابل اجرا نیست و سازمان را با مشکل مواجه و موجب عدم رضایت حسابداران رسمی و مؤدیان مراجعه‌کننده به آنان می‌شود، اما با توجه به تصویب کمیسیون اقتصادی و ضیق وقت و ضرورت تصویب نهایی اصلاحیه قبل از پایان سال ۱۳۸۰، تغییر متن ماده و تبصره‌ی یک آن مقدور نشد و همان‌طور که پیش‌بینی کرده بودم، اجرای آن در عمل با مشکلات عدیده روبرو شد، اما با وجود تمام مشکلات مؤکداً و قویاً با لغو ماده‌ی ۲۷۲ مخالفم و بقای آن را به شرط اصلاح برای کل کشور و جامعه و سازمان امور مالیاتی کشور ضروری می‌دانم. همین‌جا باید بگویم که بنده عضو جامعه حسابداران رسمی نیستم، حسابدار هم نیستم و اصولاً تحصیلات آکادمیک بنده در رشته‌های دیگری است ولی حدود ۴۰ سال به طور رسمی یعنی اشتغال در مشاغل و مناصب گوناگون مالیاتی خدمت و کار کرده‌ام و نزدیک

به ۳۰ سال نیز در زمینه‌های مالیاتی مانند حسابداری مالیاتی، مالیه‌ی عمومی و آیین دادرسی مالیاتی و حقوق مالیاتی در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس تدریس کرده‌ام و در هر حال از لغو ماده‌ی ۲۷۲ از نظر مادی و شخصی متضرر نمی‌شوم و از بقای آن نیز منتفع نخواهم شد و به‌رغم تصویب‌نامه‌ای که امکان حسابداری رسمی شدن و عضویت جامعه را براساس دارا بودن ده سال سابقه‌ی اشتغال در سمت‌های مدیریت مالی و مالیاتی فراهم کرده است در سن و سال کنونی به هیچ وجه در اندیشه‌ی استفاده از تصویب‌نامه و حسابداری

امور مالی و پولی و اقتصادی ضروری می‌دانم و کوشش می‌کنم با اصلاح آن مشکلات اجرایی مربوط به متن فعلی این ماده برطرف شود. کمی احساساتی شدم و از مطلب اصلی دور، باید بررسی کنیم تناقض این ماده و تبصره‌ی یک آن با مواد ۲۱۹ و ۲۳۷ چیست؟ و چه‌گونه آن را برطرف کنیم تا سازمان امور مالیاتی بتواند به آسانی و بدون نیاز به دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مختلف و دایم‌التغییر آن را به درستی اجرا کند و دغدغه و نارضایتی مؤدیان و حسابداران رسمی نیز برطرف شود. اگر به متن کامل ماده‌ی ۲۱۹ توجه

ولی این اطلاع دلیل قطعی بر این نیست که به‌رغم اطلاع از تناقض آن را تصویب کرده است و بنده معتقدم که قانون‌گذار محترم در موقع تصویب متوجه تناقض نشده است، زیرا اگر متوجه می‌شد قطعاً تبصره‌ی یک ماده‌ی ۲۷۲ را به شکل فعلی تصویب نمی‌کرد.

در مورد تناقض با ماده‌ی ۲۳۷ عرض می‌کنم به صراحت ماده‌ی مذکور صادرکننده‌ی برگ تشخیص از هر جهت مسئول مندرجات برگ تشخیص و نظریه‌ی خود می‌باشد، لذا بنا بر اصل تناسب مسئولیت و اختیار هرگز نباید توقع و انتظار داشت مأمور



رسمی شدن نبوده و نیستم زیرا به قول شاعر که می‌گوید:

هر که را بهر کاری ساختند

میل آن کار در دلش انداختند

در مقابل، واقعاً علاقمند به مباحث مالیاتی هستم و مایلیم با یک متخصص حقوق مالیاتی ساعت‌ها درباره‌ی یک جمله‌ی قانونی و دامنه و وسعت معنا و مفهوم آن بحث کنم، اما می‌دانم که نباید دنبال حسابداری رسمی شدن باشم چون برای این کار ساخته نشده‌ام، اما با تمام این اوصاف، ماده‌ی ۲۷۲ را از هر جهت برای کشور در تمام زمینه‌های مرتبط با

فرمایید تصدیق می‌کنید که شناسایی و تشخیص درآمد مشمول مالیات، مطالبه و وصول آن به سازمان امور مالیاتی کشور محول شده و لذا اختیار انحصاری تشخیص درآمد مشمول مالیات با سازمان است. درحالی که تبصره‌ی یک ماده‌ی ۲۷۲ در عمل با اختیار اعضای سازمان امور مالیاتی کشور در تناقض است. ممکن است گفته شود ماده‌ی ۲۷۲ و تبصره‌ی یک آن نیز جزئی از قانون مالیات‌های مستقیم است و قانون‌گذار در موقع تصویب آن از ماده‌ی ۲۱۹ مطلع بوده است. در پاسخ عرض می‌کنم درست است که مطلع بوده است

مالیاتی برگ تشخیصی را امضا کند که درآمد مشمول مالیات مندرج در آن را خودش تعیین نکرده است و حسابداری رسمی در گزارش حسابرسی مالیاتی آن درآمد مشمول مالیات را تعیین کرده است و بدین ترتیب مسئولیت تشخیص درآمد مشمول مالیاتی را قبول کند که خودش در تعیین آن هیچ‌گونه نقش و اختیاری نداشته است. نه تنها در کشور ما بلکه در هیچ کشور دیگری نیز هیچ مأمور مستقلاً مسئولیت کاری را که خودش در آن نقش و اختیاری نداشته است قبول نمی‌کند و این تناقض البته از نکات مهمی بود که اجرای ماده‌ی ۲۷۲



و تبصره‌ی یک آن را از ابتدا با ناکامی مواجه ساخت که هنوز ادامه دارد.

در واقع گزارش‌های حسابرسی مالیاتی عملکرد سال ۱۳۸۱ که غالباً از انقضای تیر ماه سال ۱۳۸۲ لغایت مهر ماه سال مذکور به ادارات امور مالیاتی ارائه شدند به لحاظ تناقضاتی که عرض شد مورد قبول مأمورین مالیاتی قرار نگرفت و مأموران ذی‌ربط نسبت به گزارش‌های مذکور ایراداتی وارد و آن‌ها را به رییس کل سازمان امور مالیاتی منعکس کردند، برخی از اشتباهات حسابداران رسمی درخصوص نحوه‌ی محاسبه‌ی مالیات‌های تکلیفی و موعدهای پرداخت آن و همچنین اعمال معافیت‌ها موجب شد که برخی مأموران مالیاتی ایرادات و اشتباهات را بیش از اهمیت واقعی بزرگ‌نمایی کنند و عده‌ای نیز بدون توجه به سوابق، تصویر ناروا از گزارش‌های حسابرسی مالیاتی ارائه و مسئولان سازمان را نگران کردند، مثلاً می‌گفتند شرکت الف در عملکرد سال ۱۳۷۹ با ۱۰۰ واحد فروش ۶ واحد مالیاتی تشخیص شده توسط حوزه‌ی مالیاتی را قبول و پرداخت کرده است ولی حسابدار رسمی در گزارش حسابرسی مالیاتی عملکرد سال ۱۳۸۱ شرکت مذکور که ۱۸۰ واحد فروش داشته است ۳ واحد مالیات تعیین کرده است و بدین ترتیب باعث نگرانی مسئولین سازمان امور مالیاتی از کاهش درآمدهای مالیاتی شدند. آنان به این نکته اشاره نمی‌کردند که نرخ مالیات شرکت‌ها در عملکرد سال ۱۳۷۹ علاوه بر ۱۰ درصد مالیات شرکت بین ۱۵ درصد تا ۵۴ درصد متغیر بوده ولی در عملکرد سال ۱۳۸۱ به طور ثابت ۲۵ درصد تعیین شده و این خود یکی از عوامل کاهش مالیاتی بوده است. البته این کاهش نرخ باید از طریق قانون موسوم به تجمیع عوارض جبران می‌شد. به هر حال اختلاف و دعوا بین سازمان

بعداً آن را اصلاح و مقرر شد استعلام از طریق رییس اداره‌ی امور مالیاتی (ممیز کل سابق) انجام شود، متعاقباً برخی از رؤسای ادارات امور مالیاتی مدعی شدند که پاسخ استعلامات مبهم است، لذا هیئت هماهنگی تشکیل شد و در نهایت آیین‌نامه‌ی اجرایی تبصره ۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران در تاریخ‌های ۱۳۸۷/۱/۱۰ و ۱۳۸۹/۱۲/۱۱ اصلاح و به تصویب هیأت محترم وزیران رسید و فعلاً ملاک عمل است. به موجب بند ب تبصره ۱ ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی مذکور هیئت هماهنگی متشکل از سه عضو است که دو عضو آن را سازمان امور مالیاتی کشور تعیین می‌کند که از نظر اصول حقوقی بی‌طرفی آن مورد تردید است به ویژه که رأی این هیأت به اکثریت اعتبار می‌یابد و چون دو نماینده از سازمان هستند احتمال اکثریت شدن این دو نماینده بیشتر است که خود می‌تواند بی‌طرفی را مورد تردید قرار دهد و در عمل موجب خنثا شدن نماینده‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی یا نماینده‌ی سازمان حسابرسی حسب مورد گردد و در نهایت نتیجه این است که آیین‌نامه‌ی مذکور نیز مشکل را رفع نکرده است.

واقعاً راه چاره چیست؟

حقیقت این است که با مشکل فعلی تبصره‌ی یک ماده‌ی ۲۷۲ که از هر جهت صریح است، هر قدر که آیین‌نامه تهیه و تصویب شود، مشکل اجرایی در عمل برطرف نمی‌شود و ادامه خواهد یافت، نکته‌ی مهم این است که در ماده‌ی ۲۷۲ و تبصره‌های آن تدوین و تصویب آیین‌نامه پیش‌بینی نشده است و از طرفی از نظر اصول حقوقی نمی‌توان با تغییر آیین‌نامه‌ی تبصره‌ی ۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران به لحاظ این که قانون مذکور نسبت به اصلاحیه‌ی قانون مالیات‌های مستقیم

امور مالیاتی با جامعه‌ی حسابداران رسمی و گله‌مندی اعضای جامعه از همان ابتدای اجرای ماده‌ی ۲۷۲ به عللی که عرض کردم شروع شد و تاکنون نیز ادامه یافته است و بنده از ابتدا قابل اجرا نبودن این ماده و تبصره‌ی یک آن را به لحاظ تناقضات موجود پیش‌بینی و به رییس کل محترم سازمان امور مالیاتی یادآور شده بودم.

این تناقضات و ایرادات و مسئولیت و اختیار اعضای سازمان درخصوص تعیین درآمد مشمول مالیات و مشکلاتی که در اجرای ماده‌ی ۲۷۲ و تبصره‌ی یک آن بروز کرد و نگرانی سازمان از عدم اجرای کامل و صحیح مقررات که در هر حال بر وصول مالیات مؤثر است موجب تدوین دستورالعملی در مورد نحوه رابطه‌ی قانونی بین ادارات امور مالیاتی و حسابداران رسمی گردید که مأموران مالیاتی موارد ابهام را از جامعه‌ی حسابداران رسمی سؤال کنند و آنان نیز در مدت معینی پاسخ بدهند و چون نحوه‌ی استعلامات موجب گله‌مندی جامعه‌ی حسابداران گردید،



مقصود مواد ۲۷۵ لغایت ۲۸۱ قانون یاد شده و هیچ مشکلی هم پیش نیامد و باعث نارضایتی و دلخوری مؤدی و وزارت دارایی و حسابداران رسمی هم نشد، چرا این گونه شد برای این که چون تشخیص درآمد مشمول مالیات از اعمال حاکمیت دولت است، قانون گذار وقت ضمن این که به موجب بند ب ماده ۲۷۹ اجازه داد و مقرر کرد حسابدار رسمی در گزارش حسابرسی خود میزان درآمد مشمول مالیات مؤدی را براساس قوانین و مقررات مالیاتی تعیین نماید، اما از لحاظ حفظ حق مالکیت دولت در مورد تعیین میزان درآمد مشمول مالیات در تبصره‌ی همان ماده‌ی ۲۷۹ پیش‌بینی لازم را نمود و مقرر کرد اگر ممیز مالیاتی در مورد درآمد مشمول مالیاتی که توسط حسابدار رسمی تعیین شده است، ایرادی داشته باشد طبق نظر خودش درآمد مشمول مالیات را تشخیص بدهد و علت عدم بروز نارضایتی و سهولت اجرا نیز همین پیش‌بینی بود و همین جا باید بگویم یکی از اشتباهاتی که بعد از پیروزی انقلاب به علت شتابزدگی در امور مالیاتی انجام شد حذف مقررات حسابداران رسمی از قانون سال ۱۳۴۵ بود، بنده همان موقع گفتم این کار اشتباه است، به همان نسبت که حسابدار خطاکار داریم ممیز خطاکار هم داریم و همان طور که ممیز خطاکار طبق قانون مجازات می‌شود، حسابدار خطاکار هم طبق مقررات قابل مجازات است و کارت حسابدار رسمی آن‌ها لغو می‌گردد، لکن کار از کار گذشته بود، نتیجه‌اش چه شد؟ حسابداران بی‌کار نشدند، بنیاد مستضعفان و سازمان گسترش و ارتقاء عمل شدند و برای خودشان حسابرسی درست کردند و اغلب نهادهای بزرگ اقتصادی هم اقدام به تشکیل مؤسسات حسابرسی اختصاصی برای خودشان نمودند، ولی وزارت امور اقتصادی و

سابق‌التصویب است حکم صریح تبصره ۱ ماده‌ی ۲۷۲ را که لاحق‌التصویب می‌باشد تحت تأثیر قرار داد. به عبارت دیگر از نظر حقوقی نمی‌توان حکم صریح تبصره یک ماده‌ی ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم را با مواد آیین‌نامه اجرایی تبصره ۴ قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران تحت تأثیر قرار داد و به نحوی از انحا اجرای آن را که متضمن بدون قید و شرط تصریح کرده است مواجه با اشکال نمود. پس چاره چیست؟

راه چاره این است که قانون با قانون اصلاح شود و در این خصوص بنده به ضرورت اصلاح ماده‌ی ۲۷۲ و تبصره‌ی یک آن معتقد هستم و از این جهت توجه خوانندگان را به سابقه‌ی قانونی استفاده از حسابداران رسمی در مورد تشخیص مالیات جلب می‌کنم.

یکی از حسابداران رسمی در بیان مخالفت با لغو ماده‌ی ۲۷۲ فرمودند اگر این ماده لغو شود حسابداران بی‌کار می‌شوند، بنده شخصاً چنین بحثی را قبول ندارم، زیرا روزی همه‌ی ما دست خداوند است و خداوند متعال خیرالرازقین است و حسابداران هرگز بی‌کار نخواهند ماند ولی مخالفت ایشان با لغو ماده‌ی ۲۷۲ را به دلایل دیگری که بیان کردند قبول دارم. اما از نظر سابقه‌ی قانونی استفاده از حسابداران رسمی در تشخیص مالیات، متن قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵ را که از اول سال ۱۳۴۶ به اجرا گذارده شد با خود آورده‌ام تا نکات شنیدنی و قابل توجه آن را یادآور شوم.

موقعی که آقای جمشید آموزگار لایحه‌ی مالیات‌های مستقیم را برای تصویب و قانون شدن به مجلس می‌برد، می‌گوید آقای عزیز نبوی خدمت بزرگی به مملکت کرده‌اند و با افتتاح مؤسسه‌ی عالی حسابداری، حسابدار لیسانسیه

تعلیم و به جامعه عرضه می‌کنند ما هم می‌خواهیم برای حسابداران شغل ایجاد کنیم و براین اساس مواد ۲۷۵ لغایت ۲۸۱ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۴۵ به حسابداران رسمی و وظایف آن‌ها اختصاص و به تصویب رسید.

بند الف ماده‌ی ۲۷۹ قانون مذکور وظیفه‌ی حسابدار رسمی را در مورد اظهار نظر نسبت به قانونی بودن دفاتر مؤدی و سایر موارد مؤثر در تعیین مالیات به‌صراحت مشخص کرده است و بند «ب» ماده‌ی یادشده بر تعیین میزان درآمد مشمول مالیات مؤدی براساس قوانین و مقررات مالیاتی تصریح کرده است.

اما تبصره ماده‌ی ۲۷۲ تصریح می‌کند که ممیز مالیاتی گزارش حسابدار رسمی را در مورد بند الف بدون رسیدگی قبول و در مورد بند ب در صورتی که ایرادی داشته باشد نظر خود را با ذکر دلایل نسبت به گزارش حسابدار رسمی اظهار و درآمد مشمول مالیات را طبق نظر خود تشخیص خواهد داد. این قانون تا سال ۱۳۵۹ عمل شد

دارایی در قسمت امور مالیاتی از خدمات حسابداران رسمی برای مدت‌ها محروم شد و هزینه‌ی وصول مالیات بالا رفت. دلیل اشتباه بودن حذف مواد ۲۷۵ تا ۲۸۱ قانون سال ۱۳۴۵ همین است که بار دیگر در اصلاحیه‌ی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ حسابداران رسمی به عنوان یکی از مراجع صلاحیت‌دار تهیه‌ی گزارش حسابرسی مالیاتی به رسمیت شناخته شدند اما همان‌طور که گفتیم در انشای متن ماده‌ی ۲۷۲ و تبصره‌ی یک آن دقت و ملاحظات مخصوص حق حاکمیت دولت در تعیین درآمد مشمول مالیات

و فکر خود را بر روی اصلاح ماده‌ی ۲۷۲ متمرکز کنند تا مشکلات اجرایی آن برطرف شود، این کار به نفع مملکت است. ضمناً مسئله فقط مالیات نیست زیرا گزارش حسابداران رسمی در موارد بسیار زیادی کاربرد و مورد استفاده دارد اما چون ماده‌ی ۲۷۲ در قانون مالیاتی است، باید به فکر اصلاح آن باشیم اما به خاطر داشته باشیم که استفاده از گزارش حسابداران رسمی در مورد مالیاتی یکی از شاخه‌های قانون استفاده از خدمات تخصصی حسابداران است و در همان قانون مورد استفاده متعددی

سرعت بیشتری امکان‌پذیر باشد. البته در شرایط کنونی به نظر بنده بازگشت به انشای قانون سابق یعنی ماده‌ی ۲۷۹ قانون سال ۱۳۴۵ و تبصره‌ی آن بهتر از تحمل وضعیت کنونی است، اما فکر می‌کنم چنانچه اعضای محترم جامعه همفکری بیشتری داشته و از نظرات حرفه‌ای اساتید فن نیز استفاده نمایند، قطعاً می‌توانند متن اصلاحی بسیار خوبی که از هر جهت کامل و جامع باشد و مشکلات اجرایی فعلی را نداشته باشد تهیه و تدوین کنند و با دست‌پراستی با مسئولانی که در اصلاح قانون مؤثر هستند ملاقات و آنان را متقاعد کنند.



انجام نشد و این ماده مانند بچه‌ای که ناقص متولد می‌شود تصویب شد و در واقع از ابتدای عقیم و ابر متولد و عقبه‌اش خراب شد. فکر می‌کنم با توضیحاتی که عرض کردم و توجه به سابقه‌ی حسابداران رسمی در مورد تشخیص درآمد مشمول مالیات از سال ۱۳۴۵ به بعد، کلیه‌ی کارشناسان با بقای ماده‌ی ۲۷۲ فعلی و تبصره‌ی یک آن، به شرط اصلاح، موافق باشند، بنابراین بنده به دوستان عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی پیشنهاد می‌کنم که فکر لغو ماده‌ی ۲۷۲ را مطلقاً از ذهن خود خارج کنند و نیروی اندیشه

برای گزارش حسابداران رسمی مقرر شده است. البته در مورد اصلاح ماده‌ی ۲۷۲ و تبصره‌ی یک آن لازم است با وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، رئیس سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس دیوان محاسبات و سایر مراجع و نهادهای مؤثر مذاکرات لازم و هماهنگی‌های ضروری جهت متقاعد شدن مراجع مذکور به اصلاح متن فعلی انجام شود تا انجام اصلاح با

اکنون کارگروهی در معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی مشغول تدوین اصلاحیه‌ی قانون هستند و جامعه می‌تواند از این فرصت نیز استفاده کند یا این که متن مورد نظر را به عنوان ماده‌ی واحده از طریق دولت به صورت لایحه یا از طریق نمایندگان مجلس به صورت طرح به سرانجام تصویب برساند، البته اگر به صورت لایحه و از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی که متولی و ناظر بر سازمان امور مالیاتی کشور است و از طریق دولت تقدیم مجلس شود برای سرعت در تصویب بهتر است.